

بسم الله الرحمن الرحيم

دستاوردها و چالش‌های توافقی گازی لبنان و رژیم صهیونیستی

لبنان و رژیم صهیونیستی پس از سال‌ها گفت‌وگو بر سر مناقشه مرزی دریایی مربوط به میدین گازی فراساحلی، سرانجام به توافق رسیدند. هیات‌های لبنان و رژیم صهیونیستی روز پنجشنبه ۵ آبان ۱۴۰۱ با حضور در مقر نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در خط مرزی دو طرف، به صورت غیرمستقیم توافقنامه مرزی را امضا کردند. این توافق که با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا انجام شد، می‌تواند تولید انرژی از این میدین را تسهیل کند. درباره این توافق چند نکته مهم قابل ذکر است که در این مطلب به برخی از اهم آنها جهت بهره‌مندی مخاطبان اشاره می‌شود.

چرایی اهمیت یابی مذاکرات گازی در این مقطع

مذاکرات گازی بین لبنان و اسرائیل از سال ۲۰۲۰ آغاز شده بود اما پس از آن که لبنان نقشه‌های تازه‌ای را مطرح کرد و زمین‌های بیشتری را حق خود دانست، این مذاکرات به دلیل زیاده خواهی رژیم غاصب با شکست مواجه شد. اما دو طرف در هفته‌های اخیر به دلایل مختلفی با انگیزه‌های بیشتری این گفت و گوها را دنبال کرده‌اند. برخی از این دلایل عبارتند از؛

۱- کسب درآمدهای بیشتر از میادین گازی بالقوه در دریای مدیترانه؛

در شرایط فعلی جهان که به دلیل جنگ روسیه و اوکراین، قیمت نفت و گاز با جهش زیادی مواجه شده و در آستانه زمستان نیاز اروپا به انرژی افزایش یافته و نگرانی‌هایی را دامن زده است، سرمایه‌گذاری و برداشت گاز از میادین بالقوه گازی در دریای مدیترانه، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. همچنین لبنان حداقل طی سه سال گذشته با بحران اقتصادی کم سابقه‌ای روبه‌رو است و بیش از پیش به سرمایه‌گذاری و فروش گاز این میدان دریایی نیازمند است.

۲- مرزهای دریایی میان اسرائیل و لبنان ترسیم نشده است؛ در نتیجه

دو طرف درباره محدوده مرزی میدان‌های دریایی نفت و گاز خود با

یکدیگر اختلاف دارند. این اختلاف مانع از سرمایه‌گذاری و برداشت از این میداین گازی شده است. این مناقشه حول یک منطقه در دریای مدیترانه به مساحت ۵۳۰ کیلومتر مربع غنی از گاز و با ارزش میلیاردها دلار است. طبق مطالعات میدانی، حداقل ذخایر گاز قابل استحصال در لبنان حدود ۲۵,۴ تریلیون فوت مکعب است و قرار است شرکت فرانسوی توتال اکتشاف در این میدان گازی را انجام دهد.

به گفته «آموس هوشتاین»، میانجی آمریکایی، این توافقنامه راه‌حل دائمی و عادلانه برای حل اختلافات دریایی طرفین به شمار می‌رود. قرار است به دنبال این توافق لبنان و رژیم صهیونیستی مختصات مرزی دریایی را نزد سازمان ملل ارائه دهند؛ اقدامی که پیش‌تر دو طرف آن را نادیده گرفته بودند.

ارزیابی نظر موافقان و مخالفان توافق

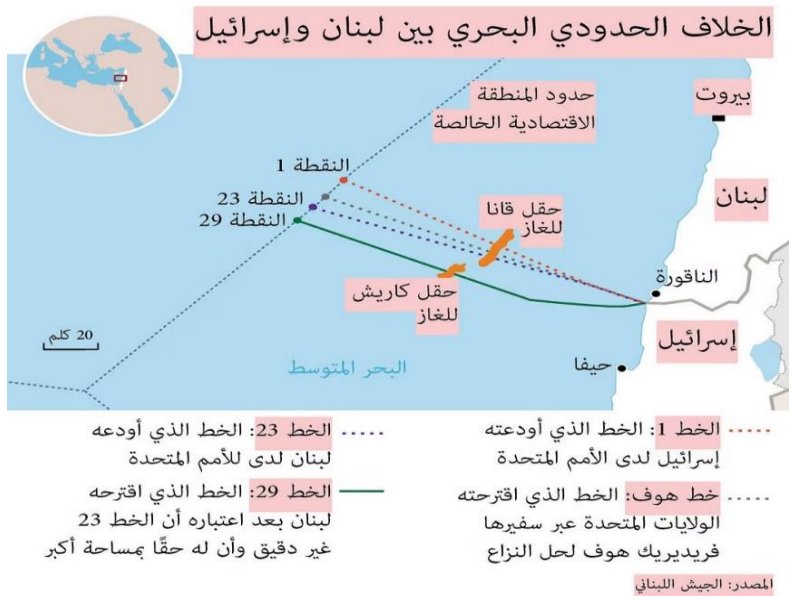
سوال مهمی که در افهام و رسانه‌های لبنان، رژیم صهیونیستی و منطقه در باره این توافق مطرح است این است که آیا این توافق به نفع لبنان است یا رژیم صهیونیستی؟ در پاسخ به این سوال نمی‌توان به یک نظر کلی استناد و اکتفا کرد. اما این موضوع هم مانند هر امر سیاسی مرتبط با منافع ملی

موافقان و مخالفانی دارد که باید به آنها توجه کرد. در یک برآورد کلی از سوی مسئولان لبنان که شامل دیدگاه رهبران حزب الله هم می‌شود، این توافق یک پیروزی برای لبنان در این مقطع بشمار می‌آید.

بر اساس این توافق، لبنان از حقوق کامل بهره برداری و اکتشاف میادین موسوم به قانا که بخش‌هایی از آن در آب‌های سرزمینی رژیم صهیونیستی قرار دارد برخوردار خواهد شد. بهره‌برداری از این میادین در حدود ۸۳ درصد برای کشور لبنانی که با وضعیت اقتصادی خوبی مواجه نیست و عمده درآمد آن را رژیم صهیونیستی غاصبانه از آن خود می‌کرد، فرصت مناسب اقتصادی و پیروزی بزرگی محسوب می‌شود. البته رژیم صهیونیستی اسرائیل نیز طبق خط مرزی ۲۳ حقوق کامل و بلامنزاع بر میدان گازی «کاریش» را به نفع خود حفظ خواهد کرد و ظرف چند هفته آینده استخراج گاز از این میدان آغاز خواهد شد. این توافق تصریح می‌کند که رژیم صهیونیستی باید با حسن نیت کار کند تا اطمینان حاصل شود که معامله با اپراتور بلوک ۹ به موقع منعقد می‌شود.

در داخل سرزمین‌های اشغالی اما منتقدان افراط‌گرا به شدت از این اقدام دولت لایید انتقاد کرده و آن را «واگذاری سرزمین» قلمداد کرده اند. بنیامین

نتانیاهو به عنوان رقیب سرسخت یائیر لاپید، نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد لاپید حق اسرائیل را تسلیم حسن نصرالله کرد! اما لاپید این توافق را تاریخی توصیف نموده و اعلام کرد تقریباً ۱۷ درصد از درآمدهای میدان گازی قانا- لبنان (طبق خط مرزی ۲۳) در صورت افتتاح و در زمان آغاز پروژه به تل آویو خواهد رسید. این موضوع باعث می شود که اسرائیل در کار آغاز استخراج گاز این میدان کارشکنی نکند.



برخی از کارشناسان انرژی بر این باورند که توافق نامه گازی بین لبنان و اسرائیل دارای ابهام است و قرارداد مسائل کلیدی اقتصادی و مالی مربوط به مشارکت در سود را روشن نکرده و همه را به آینده موکول کرده است. همچنین این نگرانی وجود دارد که رژیم صهیونیستی می‌تواند با درخواست نهایی شدن توافقنامه مالی با توتال جلوی هرگونه توسعه استخراج در میدان گازی قانا را بگیرد و عملاً مانع استخراج گاز از سوی لبنان شود. از این منظر، در کوتاه مدت این معامله برای اسرائیل سودآورتر خواهد بود، زیرا استخراج گاز از میدان «کاریش» می‌تواند به زودی و بدون ایجاد هیچ مشکلی از طرف اسرائیلی آغاز شود.

این در حالی است که ریاست جمهوری لبنان تاکید کرده نسخه نهایی پیش نویس امریکا برای توافق ترسیم مرز دریایی با اسرائیل، رضایت آور است و از حقوق لبنان برای منابع طبیعی اش حفاظت می‌کند. وزیر انرژی لبنان هم گفته است میانجیگری امریکا در کنار زدن موانع برای دست یابی به توافق ترسیم مرزها مثبت بود و هر آن چه را که می‌خواستیم کسب کردیم.

توافق گازی یا عادی سازی روابط؟!!

از جنبه سیاسی، این شبهه وجود دارد که امضای توافق گازی با رژیم صهیونیستی به مفهوم عادی سازی روابط با این رژیم است، اما آن گونه که «الیاس بوصعب» معاون رئیس پارلمان لبنان و رئیس هیأت مذاکره کننده لبنانی تاکید کرده است توافق به دست آمده یک پیروزی برای لبنان است، اما به معنای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیست.

نکته قابل توجه این است که هیات های لبنان و رژیم صهیونیستی روز پنجشنبه ۵ آبان ۱۴۰۱ با حضور در مقر نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در دو اتاق جداگانه و بدون حضور مشترک دو هیات لبنانی و اسرائیلی در کنار یکدیگر، به صورت غیرمستقیم توافقنامه مرزی را امضا کردند.

از سوی دیگر سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان توافق مرزی با اسرائیل را «پیروزی بزرگ» برای لبنان دانست و تاکید کرد: این توافقنامه معاهده بین المللی یا به معنی به رسمیت شناختن اسرائیل نیست. پیش از این حزب الله با برگزاری این مذاکرات مخالفت نکرد و بلکه از موضع دولت لبنان از مذاکرات حمایت کرد.

این در حالی است که یائیر لاپید، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سخنانی مدعی شده بود که توافق با لبنان یک پیروزی برای این رژیم بود و خطر درگیری با حزب الله را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد.

در عین حال حزب الله لبنان و دبیرکل آن سید حسن نصرالله بارها تهدید کرده اند تا زمانی که رژیم صهیونیستی و لبنان به توافقی درباره منابع گازی دریایی دست نیابند اجازه بهره برداری اسرائیل از منابع گازی دریایی در مناطق مورد اختلاف را نخواهد داد. انجام مانور نظامی در حوزه کاریش توسط حزب الله در واقع پیام اقتدار از سوی مقاومت لبنان به طرف اسرائیلی بود تا بیش از این زیاده خواهی نکند.

سخن پایانی

سخن پایانی این که اگرچه توافق فعلی از نگاه برخی کارشناسان کاملاً عادلانه نیست و لبنان در شرایط کنونی موفق به تثبیت خط مرزی ۲۹ نشده است، اما به رسمیت شناختن حق گازی لبنان در حوزه مدیترانه، حداقل دستاوردی برای لبنانی‌هاست که به برکت اقتدار و اسلحه حزب الله و تهدیدات آن علیه رژیم صهیونیستی به دست آمده است. زمانی که این موضوع را در کنار سخن کسانی که در داخل لبنان هم‌صدا با رژیم

صهیونیستی و برخی کشورهای غربی و عربی خواستار خلع سلاح حزب الله هستند بگذاریم صحنه به غایت روشن خواهد شد که دنیا همچنان دنیای موشک و اقتدار است نه گفتمان مذاکره!! و مبتنی بر این یافته باید توانمندی ملی لبنان و اقتدار حزب الله و مقاومت ضدصهیونیستی منطقه بیش از پیش تقویت و تعمیق شود.